پیامبر اعظم(ص):
کسی که نماز را از وقتش تأخیر بیندازد
(فردای قیامت) به شفاعت من نخواهد رسید.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: ایران کهن

وطن امروز

آیا مجموعه «اتوپلازا تهران» می‌تواند چهره بازار خودرو را به نفع مشتری تغییر دهد؟

راه‌ها به جاده مخصوص می‌رسند؟



امیر طلوعی

بازار خرید و فروش خودرو در ایران سال‌هاست به مثابه یک هزارتوی تاریک و غیرقابل پیش‌بینی عمل می‌کند؛ جایی که منطق اقتصادی جای خود را به نوسانات لحظه‌ای، شایعات و شبکه‌های واسطه‌گری داده است. برای هر خریداری، تجربه خرید خودرو در ایران، سفری است میان بنگاه‌های کوچک و پراکنده‌ای که در شهر توزیع شده‌اند و در آن، شفافیت یک استثنا و پاسخگویی یک اتفاق نادر است. تضاد عمیق میان قیمت‌های کارخانه‌ای و قیمت‌های بازار، در کنار فقدان یک مرجع متمرکز برای قیمت‌گذاری و نظارت، باعث شده مصرف‌کننده برابر دلالانی قرار بگیرد که لجام‌گسیختگی بازار را به نفع منافع خود پیش می‌برند. این ساختار عقب‌مانده و غیررسمی، نه‌تنها باعث ضررهای مالی گسترده شده، بلکه اعتماد عمومی را به طور کامل از مکانیسم‌های سنتی خرید و فروش خودرو زدوده است.

در گزارشی که مهر امسال از قول یک مقام صنفی منتشر شد، شکاف انباشته قیمت کارخانه و بازار بیش از ۸۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده بود؛ رقمی که بر پایه محاسبه همان تشکل بیان شده و باید آن را برآوردی صنفی دانست، نه شاخصی مستقل و قطعی اما به هر حال شکی نیست اعداد این شکاف نجومی است.

در این بازار، مراجعه به چند نمایشگاه یا جست‌وجو در آگهی‌های پراکنده برای مقایسه گزینه‌ها امری معمول است. خریدار ممکن است با تفاوت در اطلاعات اعلام‌شده، شرایط پرداخت و میزان پاسخگویی فروشندگان روبه‌رو شود. این مشکلات البته یکسان نیست و همه معامله‌ها را نمی‌توان به یک شکل توصیف کرد اما در مجموع، تجربه خرید خودرو اغلب مستلزم صرف وقت و راستی‌آزمایی جداگانه است؛ کاری که در معامله‌ای گران‌قیمت، هزینه و ریسک خود را دارد.

افتتاح مجموعه «اتوپلازا تهران» در چنین بازاری، طرحی برای گردآوردن بخشی از این فرایند در یک مکان است. مجموعه‌ای که در جاده مخصوص بنا نهاده شده و برای استقرار حدود ۹۰ شوروم و ارائه خدماتی فراتر از نمایش خودرو برنامه‌ریزی شده است، برنامه‌های اعلام‌شده، خریدوفروش خودرو، شوروم‌های تخصصی، خدمات کارشناسی و فنی، تأمین مالی، بیمه، خدمات دیجیتال، خدمات پس از فروش و امکانات رفاهی را دربرمی‌گیرد.

اما آیا این پروژه می‌تواند نمادی از حرکت بازار خودرو از «هرج‌ومرج پراکنده» به «نظم متمرکز» باشد؟

■ از ایده‌های تجمیعی تا رؤیای شفافیت

نگاهی به تاریخچه بازارهای مصرفی در ایران نشان می‌دهد ایده‌های «تجمیع» در نهایت به نفع مصرف‌کننده تمام شده است. مدل‌هایی نظیر شهر لوازم خانگی یا سرای ایرانی و فروشگاه‌های مشابه، اگرچه در برخی ابعاد به ایده‌آل‌ها نرسیدند اما توانستند با ایجاد رقابت در یک فضای واحد، تسهیلات خرید را گسترش داده، اقساط طولانی‌مدت را معرفی کنند و تا حدودی یک «نظم نسبی» را در بازار به وجود آورند. اتوپلازا تهران اکنون در آستانه تکرار این الگو در مقیاس پیچیده‌ترین بازار مصرفی ایران است. پتانسیل این است که با گرد هم آمدن فروشگاه‌های متعدد در یک محیط ساختارمند و با پشتیبانی یک سوپر اپلیکیشن، خریدار بتواند به جای گشت‌وگذار در نقاط مختلف شهر، در یک نقطه واحد، امکان مقایسه قیمت‌ها، بررسی کیفیت و دسترسی به تسهیلات مالی را داشته باشد. این تغییر در الگوی خرید، به طور طبیعی فشار را بر واسطه‌های غیرشفاف افزایش داده و در نهایت می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های پنهان برای مصرف‌کننده شود.

هسته اصلی این ادعاهای مثبت، بر ۲ ستون «شفافیت» و «پاسخگویی» استوار است؛ ۲ مفهومی که سال‌هاست در بازار خودرو غایب بوده‌اند. مدیران اتوپلازا تهران، شفافیت را به عنوان هدف اعلامی خود معرفی کرده‌اند. در تئوری، وقتی زنجیره‌ای از فروشگاه‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و دسترسی به اطلاعات آنها از طریق پلتفرم‌های دیجیتال و اپلیکیشن‌ها تسهیل می‌شود، فضای مقایسه ایجاد شده و قیمت‌ها به طور طبیعی به سمت تعادل میل می‌کند اما در عمل، این موضوع تنها با وجود یک «مانیفست اجرایی» و سازوکارهای نظارتی سخت‌گیرانه امکان‌پذیر است. اینجاست که پرسش‌های کلیدی مطرح می‌شود: این پاسخگویی چگونه ساختارمند خواهد شد؟ چه ضمانت‌هایی برای خریداران در برابر فروشندگان فراهم است و چگونه این مجموعه بزرگ، از تبدیل شدن به یک «بنگاه غول‌پیکر» جلوگیری می‌کند تا واقعا به هدف شفافیت دست یابد؟

■ رقابت در عصر دیجیتال و آینده بازار

هیچ پدیده اقتصادی در خلأ رشد نمی‌کند و اتوپلازا تهران نیز در محیطی رقابتی قرار دارد. از یک سو، پلتفرم‌های آنلاین خرید و فروش خودرو که در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته‌اند، رقبای بالفعل این مجموعه هستند. این پلتفرم‌ها با حذف فیزیکیِ مکان، سرعت را جایگزین کردند. از سوی دیگر، احتمال شکل‌گیریِ رقبای بالقوه‌ای وجود دارد که از طریق تجمیع بنگاه‌های کوچک در کانون‌های جدید، سعی در به چالش کشیدن این مدل داشته باشند. نکته ظریف اما اینجاست که وجود رقابت، چه در فضای دیجیتال و چه در فضای فیزیکی، در نهایت به نفع بازار است. رقابت میان یک شهر خودرویی ساختارمند و اپلیکیشن‌ها می‌تواند منجر به ارتقای استانداردهای خدمات‌رسانی و اجبار تمام بازیگران به پاسخگوتر شدن شود.

■ چرخشی برای مشتری

یکی از بزرگ‌ترین سوءتفاهم‌هایی که در ظهور مدل‌های تجمیعی رخ می‌دهد، ترس از محدود شدن بازار است. بنگاه‌های کوچک و سنتی ممکن است در نگاه نخست، اتوپلازا تهران را به عنوان یک تهدید یا مانعی برای فعالیت‌های پراکنده خود ببینند؛ مشابه همان واکنشی که در زمان ظهور شهرهای لوازم خانگی مشاهده شد اما تاریخ اقتصاد نشان می‌دهد بازار، برخلاف تصور محافظه‌کاران، از حذف شدن نمی‌ترسد، بلکه از طریق «تنوع‌بخشی» بازتولید می‌شود. در واقع، ورود فروشگاه‌های بزرگ و ساختارمند، بازار را از یک حالت «بی‌آپشن و اجباری» به یک فضای «رقابتی و انتخابی» تبدیل می‌کند. در این فضای جدید، بقای بنگاه‌ها دیگر در گرو کنترل اطلاعات یا انحصار مکان نیست، بلکه در گروی توانایی‌شان در ارائه خدمات متمایز است؛ از تنوع در سبد محصولات گرفته تا ارائه تسهیلات خرید اقساطی و خدمات پس از فروش کارآمد. این رقابتِ میان فروشگاه‌های کوچک و بزرگ، همچنین رقابت میان مجموعه‌های بزرگ برای جذب مشتری، در نهایت یک فرآیند خوداصلاح‌گر است که در آن، مشتری است که از گسترش گزینه‌ها، بهبود کیفیت و تنوع در خدمات سود می‌برد. در واقع، بازار به جای بسته شدن، در حال باز شدن است تا اجازه دهد جریان واقعی عرضه و تقاضا بر پایه انتخاب آگاهانه مشتری حرکت کند.

رقابت می‌تواند فروشگاه‌های کوچک‌تر را به تغییر وادارد. بعضی ممکن است با ارائه خدمات تخصصی‌تر، مشاوره نزدیک‌تر یا انعطاف در معامله پاسخ دهند؛ گروهی دیگر شاید برای عرضه مشترک یا حضور در مجموعه‌های بزرگ‌تر همکاری کنند. در آغاز کار، طبیعی است که برخی کسب‌وکارها نگران انتقال مراجعه مشتریان به مراکز متمرکز باشند. با این حال، اثر نهایی از پیش روشن نیست. اگر مجموعه‌های بزرگ مشتری را به خود جذب کنند اما کسب‌وکارهای کوچک نیز بتوانند با خدمات بهتر و تجربه متفاوت در بازار بمانند، نتیجه ممکن است افزایش انتخاب باشد.

در نهایت، اتوپلازا تهران را باید به عنوان یک «آزمایش اجتماعی - اقتصادی» دید. این پروژه در ابتدای راه است و موفقیت آن نه در متراژ زمین‌ها یا تعداد فروشگاه‌ها، بلکه در توانایی‌اش برای پیاده‌سازی آن سازوکارهای شفافیت و اعتماد است که وعده داده است. اگر این مجموعه بتواند از یک مرکز خرید فراتر رفته و به یک مجموعه نظم‌بخش تبدیل شود، نه‌تنها سودآوری اقتصادی خواهد داشت، بلکه خدمتی بزرگ به مصرف‌کننده ایرانی کرده است. در جهانی که قانون و نظم در بسیاری از عرصه‌ها به چالش کشیده شده، هر تلاشی برای جایگزینی «زور دلال» با «قانون بازار» گامی رو به جلو است.

دستی که فشرده نشد

حکایت حجاب

سیداحمد مصطفوی: گاهی سرنوشت یک گفت‌وگو را نه سخنانی که بر زبان آمده، بلکه کلماتی رقم می‌زند که هنوز گفته نشده‌اند. گاهی هم یک مجلس، درست از جایی آغاز می‌شود که همه گمان می‌کنند به پایان رسیده است. سخنران حرفش را زده، مخاطبان آنچه باید شنیده‌اند و دیگر چیزی نمانده جز برخاستن و رفتن... اما همیشه کسی هست که پرسشی در آستین داشته باشد؛ پرسشی که نه از سر دانستن، بلکه برای به تنگنا انداختن دیگری بر زبان می‌آید.

در چنین لحظه‌هایی، فاصله میان خردمندی و درماندگی گاه به کوتاهی یک پاسخ است؛ نه فرصتی برای اندیشیدن می‌ماند، نه مجالی برای گریز. آدمی باید همان‌جا و در همان چند ثانیه نشان بدهد آنچه بر زبان می‌راند، تا چه اندازه با آنچه باور دارد، سازگار است.

حکایت امروز، روایت یکی از همین لحظه‌هاست؛ ماجرای دستی که به سوی امام موسی صدر دراز شد و پاسخی که مسیر یک رویارویی را تغییر داد.

استاد سیدعباس نورالدین نقل می‌کرد:

روزی امام موسی صدر در دانشگاه مسیحیان لبنان سخنرانی می‌کرد. سخنانش چنان گیرا و اثرگذار بود که حاضران را مجذوب خود کرده بود. کلامش به دل می‌نشست و آن عالم مسلمان، در میان جمعی از مسیحیان، توفیقی چشمگیر یافته بود اما همه از این توفیق خرسند نبودند.

در اواخر سخنرانی، زن جوانی که از استقبال حاضران و موفقیت آن عالم مسلمان دلخور شده بود، رو به دوستانش کرد و گفت:

«من می‌دانم چطور حالش را بگیرم و ضایعش کنم!»

انگار از پیش نقشه‌ای در سر داشت. منتظر پایان سخنرانی ماند و همین که کلام امام موسی صدر به آخر رسید، در حالی که توجه حاضران را به خود جلب کرده بود، پیش رفت و دستش را به سوی ایشان دراز کرد.

امام موسی صدر، طبق عادت، دست بر سینه گذاشتند. نه دست زن را فشردند و نه از جایگاه ادب و احترام فاصله گرفتند. تنها همان حرکت آشنای دست بر سینه بود.

زن جوان درست منتظر همین واکنش بود. فرصتی که می‌خواست، پیش آمده بود. بی‌درنگ پرسید:

«می‌خواهید نجس نشوید؟»

پرسش کوتاه بود اما مقصودش روشن. می‌خواست خودداری آن عالم مسلمان از دست دادن با یک زن را دستاویزی کند برای آنکه درباره جایگاه زن در اسلام شبهه بیفکند و او را در برابر جمع به دشواری بیندازد.

حالا همه چیز به یک پاسخ بستگی داشت.

امام موسی صدر اما نه برآشفتند و نه در دام پرسش او گرفتار شدند. با همان زیرکی و حضور ذهن، بی‌درنگ پاسخ دادند:

«بل، لأحافظ علی طهارتک!»

یعنی: «نه، برعکس! برای آنکه پاکی تو را حفظ کنم».

مقصودشان این بود که تو چنان ارزشمند و پاک هستی که چنین تماس‌هایی حریم قدسی و زنانه‌ات را می‌آلاید؛ پس خودداری من نه از سر ناپاک دانستن تو، بلکه برای پاسداشت حرمت و پاکی توست.

همین چند کلمه کافی بود.

زن جوان می‌خواست با یک حرکت و یک پرسش، آن عالم مسلمان را در برابر جمع شرمنده کند اما پاسخ امام موسی صدر، نه‌تنها نقشه او را بی‌اثر کرد، بلکه نتیجه را یکسره دگرگون کرد.

جمعیت مسیحی حاضر که پیش‌تر مجذوب سخنرانی شده بودند، این بار از آن پاسخ حکیمانه و عارفانه بیشتر به وجد آمدند و برای سید دست زدند.

آن روز، دستی فشرده نشد اما حرمتی پاس داشته شد.

مقاومت روی منافع ملت

تیتر یک

ادامه از صفحه اول

سرلشکر رضایی با اشاره به حضور نمایندگان عربستان، ترکیه و پاکستان در تهران اضافه کرد: ما از این دوستان دعوت نکرده بودیم؛ خودشان درخواست کردند به ایران بیایند، با ما دیدار کنند و درباره ترتیبات منطقه‌ای گفت‌وگو داشته باشیم. در جریان این گفت‌وگوها، نه از پیمان مکه صحبت شد و نه از موضوع یمن و مسائل مربوط به آن. در مذاکرات رسمی، محور اصلی گفت‌وگوها این بود که ترتیبات آینده منطقه چگونه باید شکل بگیرد.

دبیر شورای عالی امنیت ملی تاکید کرد: از نکات جالب این دیدارها این بود که تصور کردم این افراد از بسیاری از دوستان ما نیز حزب‌اللهی‌تر شده‌اند، چرا که با قاطعیت زیادی علیه اسرائیل صحبت می‌کردند. امیر خالد گفت اسرائیل پس از شما سراغ ترکیه می‌رود و پس از آن، سراغ ما، یعنی عربستان، خواهد آمد. ابراهیم کالین، رئیس سازمان اطلاعاتی - امنیتی ترکیه نیز در این زمینه سخن گفت. عاصم منیر نیز درباره تهدید اسرائیل و پیوندی که میان هندوها و یهودی‌ها علیه مسلمانان و پاکستان در حال شکل‌گیری است، صحبت کرد. این اظهارات، مبتنی بر اطلاعات و نگرانی‌هایی است که آنها درباره آینده و تهدیدهای اسرائیل در قبال کشورهای خود دارند. همین موضوع نیز زمینه‌ساز دستیابی ما به جمع‌بندی خوبی شد.

وی بیان کرد: در این نشست، ۴ محور را مشخص کردیم و درباره اولویت دفاع از مسلمانان در برابر اسرائیل، خروج اسرائیل از جنوب لبنان و جنوب سوریه، همچنین مساله غزه و کرانه باختری گفت‌وگو کردیم. در اطلاعیه‌ای که درباره نخستین نشست منتشر کردیم، اعلام شد ۴ کشور درباره ترتیبات منطقه‌ای گفت‌وگو کرده‌اند. همچنین مقرر شد این جلسات در آینده ادامه پیدا کند و احتمالا وزیران خارجه ۳ کشور نیز به ایران سفر کنند. سرلشکر رضایی گفت: نظم نوین منطقه‌ای به صورت درون‌زا و بدون دخالت کشورهای بیرون از منطقه، می‌تواند قواعد و اصول خاص خود را داشته باشد. من برای آنها توضیح دادم ما چگونه آمریکا را شکست دادیم، اهداف و نقشه‌های‌شان چه بود و خودشان نیز اطلاعاتی داشتند اما با جزئیاتی که من گفتم بیشتر توجیه شدند.

دبیر شورای عالی امنیت ملی ادامه داد: ثابت شد وقتی کشوری مثل ایران می‌تواند جلوی ۵ هزار پرواز ناتو به منطقه بایستد و در مقابل تمام ارتش آمریکا و قدرت رژیم صهیونیستی مقاومت کند، اگر ۴ کشور باهم باشند، قدرت‌شان بسیار بیشتر شده و امنیت پایدار در منطقه به وجود می‌آید.

سرلشکر رضایی افزود: نشست تهران می‌تواند به بستری برای شکل‌گیری ترتیبات جدید منطقه تبدیل شود. دبیر شورای عالی امنیت ملی ادامه داد: به نظر من، در این ۴-۳ ساعت، بحث‌های بسیار خوبی مطرح و پایه مناسبی برای آینده امنیت منطقه گذاشته شد.

■ کنایه به اروپایی‌ها

در ادامه این گفت‌وگوی تلویزیونی، رضایی با اشاره به اظهارات رئیس‌جمهور فرانسه و صدراعظم آلمان درباره تبعات جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران بر اقتصاد کشورهای عضو اتحادیه اروپایی گفت: این ۲ نفر در ابتدای حمله اسرائیل به ایران بسیار خوشحال بودند؛ حتی تعبیر صدراعظم آلمان این بود که «آن کار کثیفی را که اروپا می‌خواست انجام دهد، نتانیاهو انجام داد» و کم مانده بود جشن بگیرند اما اکنون چه می‌گویند؟!

دبیر شورای عالی امنیت ملی ادامه داد: امروز هم مکرون و هم مرتس اذعان دارند جنگی که علیه ایران رخ داد، اروپا را با مشکلات بسیار زیادی مواجه کرده است. مکرون می‌گوید مسائل و ناآرامی‌های خیابان‌های ما ناشی از جنگ علیه ایران است و آلمان نیز مشکلات اقتصادی خود را مرتبط با این جنگ می‌داند. زلنسکی نیز چند وقت پیش گفت افزایش قیمت گازوئیل مربوط به تنگه هرمز است؛ آقای ترامپ! چرا آدرس اشتباه می‌دهی؟

سرلشکر رضایی خاطرنشان کرد: جنگ علیه ایران، بازتاب بین‌المللی گسترده‌ای داشته و زندگی مردم سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داده است. دلیل این مساله، مقاومت ملت ایران، پیروزی‌های به‌دست‌آمده و جایگاه ایران در نقشه اقتصادی جهان است. اگر حادثه‌ای علیه ملت ایران رخ دهد، اینگونه نیست که تنها مردم ایران متضرر شوند، بلکه تمام دنیا از پیامدهای آن آسیب می‌بینند.

وی ادامه داد: اکنون در آمریکا چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟ ترامپ هر جا برای سخنرانی انتخاباتی و تبلیغاتی حاضر می‌شود، باید به این پرسش پاسخ دهد که چرا جنگ را آغاز کرد؟ و ناگزیر به آن پاسخ می‌دهد. روشن است این جنگ پیامدهای بسیار بزرگی داشته و فکر و ذهن مردم سراسر جهان را به خود مشغول کرده است.

وی تصریح کرد: هیچ خانواده و هیچ فردی در آمریکا نیست که از حمله آمریکا به ایران متضرر نشده باشد. هزینه‌های سوخت، بنزین، وسایل گرمایشی و به طور کلی هزینه‌های زندگی آنان به‌شدت افزایش یافته است. نه جنگ ویتنام چنین پیامدهایی داشت و نه جنگ‌های دیگر. البته در جنگ ویتنام نیز شمار زیادی از سربازان آمریکایی کشته شدند اما آن جنگ چنین آثار گسترده‌ای در سراسر جهان بر جا نگذاشت.

■ اما مذاکرات جدید

سرلشکر رضایی درباره جزئیات مذاکرات جدید میان ایران و واسطه‌ها نیز گفت: بحث دیپلماسی اخیر ما از بیش از یک ماه پیش شروع شده است. ما به دلیل پیگیری‌های مکرری که آمریکایی‌ها می‌کردند که وارد مذاکره بشویم، به آنها گفتیم مذاکره‌ای با شما نداریم ولی شروط‌مان را به شما می‌گوییم، لذا تا شروط ما عملی نشود، مذاکره در کار نخواهد بود. به شروط ما عمل کنید.

به گزارش ایرنا، دبیر شورای عالی امنیت ملی یادآور شد: گفتند شما شروط‌تان را بنویسید. از طریق همین واسطه‌ها یعنی پاکستان و قطر به ما گفتند. یک تلاش هم عراق شروع کرد که نیمه‌تمام ماند. ما شروط‌مان را فرستادیم. گفتیم تا این ۷ شرط عملی نشود، نه تنگه هرمز باز می‌شود و نه مذاکره‌ای در کار خواهد بود. گفتیم ما باید اول تغییر رفتار در شما ببینیم، چرا که دیگر به دیپلماسی گذشته بر نمی‌گردیم. اگر شما تغییر رفتار دادید و اجرای ۷ شرط را دیدیم، بعد می‌توانیم بنشینیم ببینیم چه کار باید کنیم.

سرلشکر رضایی بیان کرد: این را فرستادیم و به ما پاسخ دادند. ما دیدیم اولا تلاش کرده‌اند ۷ شرط ما را یک مقدار رقیق کنند. ثانیا مباحثی را که قرار بود در مراحل بعد درباره آنها صحبت کنیم، به مراحل ابتدایی مذاکرات آورده بودند. ما در پاسخ به آنها نوشتیم پاسخ‌های شما قانع‌کننده نیست. پس از ارسال این پاسخ، مجددا واسطه‌گری‌ها آغاز شد. آقای عاصم منیر به ایران آمد. قطری‌ها نیز به ایران آمدند و پیشنهاد دومی مطرح کردند.

وی ادامه داد: پیشنهاد دوم نسبت به پیشنهاد اول بهتر بود اما ما نمی‌خواستیم با خوش‌بینی برخورد کنیم و باز آنها مجددا بخواهند به ما حمله کنند. بنابراین صریحا این پیام منتقل شد. آقای عراقچی به طرف مقابل اعلام کرد ایران اساسا به شما مشکوک است، چرا که ممکن است وارد مذاکره شوید و پس از انتخابات، مجددا به ایران حمله کنید.

دبیر شورای عالی امنیت ملی تصریح کرد: پس از طرح این موضوع، پاسخ سوم آنها به دست ما رسید که نسبت به پاسخ‌های قبلی بسیار بهتر بود. در این پاسخ، نوعی شفافیت وجود داشت و اعلام کرده بودند آمادگی دارند ۷ شرط ایران را بپذیرند. سرلشکر رضایی بیان کرد: ما مجددا چند ابهام داشتیم که آقای عراقچی این ابهامات را به طرف مقابل منتقل کرد. دیروز پاسخ‌ها را به آقای عراقچی دادند و در همین چارچوب، بحث‌ها در دور جدید آغاز شده است. بنابراین ما دیپلماسی را جدی می‌دانیم اما به هیچ‌وجه از حقوق ملت ایران عقب‌نشینی نخواهیم کرد. وی در پاسخ به سوالی درباره نامه ونس گفت: نامه را مطالعه کرده‌ام اما هنوز پاسخی به آن نداده‌ام. لحن این نامه کاملا تغییر کرده و متفاوت از نامه پیشین ترامپ است و این یکی از نشانه‌های اقتدار و پیروزی ملت ایران است.

دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: حرف نخست ما این است که اگر ترامپ در اینجا تنبیه نشود، فردا هر کشور دیگری می‌گوید به ایران حمله کنیم و هیچ مابه‌ازایی نمی‌دهد. مهم‌ترین بازدارندگی ما این است که جنگ را به گونه‌ای پایان دهیم که دیگر هیچ‌کس جرأت نکند به ایران حمله کند.

وی افزود: ما عقلانی و بر اساس امنیت ملی و آینده کشور برخورد می‌کنیم، زیرا دشمن تجاوز کرده و خسارت وارد کرده است. اگر حقوق ملت ایران را احیا نکنیم، فردا هر کشور دیگری به ایران حمله می‌کند. سرلشکر رضایی ادامه داد: ما بر اساس چارچوبی منطقی ایستادگی می‌کنیم و به لطف پروردگار متعال، نیروهای مسلح ما در آمادگی بسیار خوبی به سر می‌برد. اگر جنگ آغاز شد، ما شاخ‌های آمریکا را می‌شکنیم تا ببینیم این گاو بدون شاخ چه کاری می‌خواهد بکند؛ آیا می‌تواند از خودش دفاع کند؟ وی بیان کرد: ما موشک‌های ضدناو خودمان را بالای سر ناو جرج واشنگتن تست کردیم و وضعیت ما در تنگه هرمز مشخص است. امروز با قدرت در هرمز حضور داریم.

وی در پاسخ به سوالی درباره احتمال گفت‌وگو در حوزه هسته‌ای با بیان اینکه معلوم نیست پس از تحمیل جنگی دیگر بر ایران ما در ان‌پی‌تی بمانیم، پاسخ داد: ما عضو ان‌پی‌تی هستیم و ۲۲ حق داریم و اگر قرار بر گفت‌وگوی هسته‌ای باشد ما حقوق خود را طلب خواهیم کرد، لذا محکم برای احقاق حقوق ملت ایران ایستاده‌ایم و البته مساله زمان را نیز مد نظر داریم. اکنون منتظر پاسخ آمریکایی‌ها هستیم؛ تنگه هرمز امکان بازگشایی ندارد مگر در صورت عمل به ۷ شرط ایران.

سردار رضایی ادامه داد: گروسی مزدور و خدمتکار رژیم صهیونیستی است؛ او تنها مدیر آژانسی است که می‌گوید برنامه هسته‌ای ایران انحراف دارد، حال آنکه بیشترین بازرسی‌ها از تاسیسات هسته‌ای ایران انجام و عدم انحراف در برنامه هسته‌ای ایران اثبات شده است.

دبیر شورای عالی امنیت ملی درباره تغییر دکترین هسته‌ای تصریح کرد: مطالبه مردم درباره تغییر دکترین هسته‌ای وجود دارد؛ ملت ایران صاحبان اصلی کشور هستند و حق دارند مطالبات‌شان را مطرح کنند اما هنوز هیچ تصمیم جدیدی در حاکمیت گرفته نشده است. البته این بحث مطرح است که در صورت تحمیل جنگی دیگر این دکترین تغییر پیدا کند یا نه. ملت ایران می‌بیند با وجود فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای، دشمن تاسیسات هسته‌ای ما را بمباران و به کشور ما حمله کرده است، لذا این مطالبات شکل می‌گیرد که چرا باید این وضع ادامه پیدا کند.